

قسمت فنی

معجزات اراده

زحمات طاقت فرسا و متمادی که بعضی از علمای جدی و خسته نشونده در کشف اسرار طبیعت میکشند روز بروز پرده‌های اسرار از روی تظاهرات طبیعت بر میدارد و انسان را بمبدء خلقت نزدیک می‌سازد. درین چند سال اخیر تدقیقات مهم و متوالی این علماء در زمینه فن روحیات، کشفیات بسیار مفید و غرابت انگیز جلو چشم مدققین گذاشته است که یکی از آنها معجزات قدرت اراده فردی را در خلق کردن ماده نشان میدهد که چگونه بوسیله قوه اراده آثار نور و صدا و حرکت و حتی آثار محسوس و قابل لمس تولید میتوان کرد! در نظر نخست این مسئله جز یک ادعا و محصول خیال و وهم چیز دیگر دیده نمی‌شود ولی در صحت این امر دیگر هیچ جای شك و شبهه نمانده است. اولاً این قبیل قدرتهای خالقه روح را تمدنهای قدیم عالم می‌شناختند و بکار می‌بردند و هنوز در میان مللی که آثاری از آن تمدنهای عالیه نگاه داشته‌اند، اشخاصی که واقف به رموز این اسرار باشند، پیدا می‌شوند و ثانیاً در سایه تدقیقات فنی و کنجکاوی‌های عمیق که هر روز علما و پروفیسورهای فن روحیات بعمل می‌آورند و با هزاران تجربه و دقتهای کامل، حقیقت آنها را امتحان و اثبات میکنند وجود چنین حقایق طبیعی را که برای ما معجزه و از جمله اسرار دیده می‌شود تصدیق و تأیید مینماید.

تفصیلات ذیل را که درین موضوع بعضی وثایق علمی بدست

میدهد از يك كتابی که چند سال پیش چاپ شده ترجمه میکنیم: «در میان تظاهرات عجیبه روحی باید تجربه‌های مسیو «به‌آئی» را ذکر کنیم. عالم و روح‌شناس معروف «آلکساندر آکساکوف» مشاور تزار روس این مسیو «به‌آئی» را شخصاً می‌شناخته است. این تجربه‌ها در سال ۱۸۷۲ بعمل آمده است. تجربه‌کنندگان، شخص «مدیوم» (شخص حساس را گویند که رابطه و واسطه میان قوای عالی روحی و عالم مادی و ظاهری می‌شود) را که عبارت از مسیو «رونلاند» بود در يك اطاق نیم‌تاریک نشانده و دورین ماشین عکاسی خودشان را بطرف او نصب و راست کردند. در هر مجلس قریب ده عکس برمی‌داشتند. در مجلس اول در صفحه آخری عکس پنی در شیشه‌دهم که از شخص مدیوم برمی‌داشتند، يك صورتی که شباهت ضعیفی بشکل انسان داشت — در روی عکس مدیوم — مشاهده کردند مثل اینکه روی عکس شخص مزبور يك عکس دیگر هم افتاده است. در عکسهای مجلس سیم يك هیکل روشنی که بازوهای خود را رویهم صلیب‌وار گذاشته و بلند کرده بود به شکل انسان شیبه‌تر می‌شد. مسیو «به‌آئی» خود چنین می‌نویسد:

«بعداً بجای يك سر، صورتی در روی شیشه‌ها پیدا شد که کم‌پیش شباهت يك ستاره داشت. در ابتدای مجلس دیگر، دوازده عکس انداختیم که بی‌نتیجه مانده هیچ آثاری در آنها ظاهر نشد ولی بعد همینکه آثاری بتظاهر نمودن شروع کرد دیدیم که صورتها عوض شده و شکل يك مخروط و یا يك شیشه (بطری) که مرکز آنها بیش از پیش براق و روشن بود بعمل آمده است. این مخروطهای براق گاهی در روی پیشانی و گاهی هم در روی گونه «مدیوم» دیده می‌شد و غالباً با يك قطعه و یا لکه روشنی

که بالای سر «مدیوم» ظاهر می‌شد توأم بود و در این حال دو ستاره دیده می‌شد که یکی روشنتر بود و آن دیگری را در سایه می‌گذاشت. این اشکال نبوت خود تغیر می‌یافت و مخروطها و ستاره‌ها مبدل می‌شدند به اشکال مرغهاییکه پروبال خود را باز کرده‌اند....»

«خود پروفیسور آکساکوف در کتابی که در سال ۱۹۰۶ به عنوان «آنیمیزم و اسپریتیزم» (۱) نشر کرده سیزده تا عکس از این قبیل تظاهرات در آن درج نموده که خیلی جالب دقت است و سندیت مطلق بدست میدهد.

در اینجا میتوان پرسید که حقیقت این انشعاعات که بچشم انسان غیر مرئی است ولی ماشین عکاس آنها را ضبط میتواند کند و از يك شخص «مدیوم» که در حال بیهوشی است سر می‌زند چیست؟ يك تجربه جدید «دکتر ایمودا» که در مجله «اوراق علوم روحیه» نشر کرده تا یکدرجه جواب این سؤال را میدهد: «در مجلسی که با «مدیوم» معروف «مادام اوزایا یا الادینو» در شب دهم ماه آوریل ۱۹۰۸ در منزل مهندس ف. واقع در کوچه..... ترتیب داده بودم يك تظاهری بعمل آمد که ثابت میکند که بعضی شعاعات شبیه به اشعه «رادیوم» و بعضی شعاعات منفی چنانکه در آمپول کروکس موجود است از بدن «مدیوم» بیرون می‌جهد. در آخر مجلس من در روی میزی آلت «الکتروسکوپ» (آلتی است دارای بعضی مواد و از جمله تراشه‌های طلا که با آن وجود و عدم وجود قوه الکتریک را در يك ماده تجربه میکنند) را گذاشته و از مادام الادینو که کاملاً از خواب مغناطیسی بیدار شده بود خواهش کردم که دستهای خود را تا ده سانتیمتری الکتروسکوپ

نزدیک کند. در دو دقیقه اولی چیزی ظاهر نشد بعد شروع کرد در الکتروسکوپ تراشه‌های طلا پائین آمدن و پس از سه چهار دقیقه علائم الکتريك ظاهر شد و آلت الکتروسکوپ قوه خود را خالی کرد. بنظر من چنین میرسد که حصول جریان قوه الکتريك در آلت الکتروسکوپ از اینجا ناشی شده که هوای مجاور به وسیله مادام «بالادینو» هادی الکتريك شده بود بعینه مثل اینکه يك آمپول کروکس یا نمک رادیوم نزدیک الکتروسکوپ گرفته باشیم. زلی میان تأثیرات «رادیوم» و شخص «مدیوم» يك فرقی هست و آن این است که تخلیه الکتروسکوپ از قوه بمحض نزدیک شدن نمک رادیوم بعمل می‌آید در صورتیکه آن تخلیه به وسیله نزدیک شدن دستهای بالادینو پس از چند دقیقه حاصل می‌شود که گوئی بدن او ابتدا غیر هادی بوده و یکدفعه اشعه خود را بیرون میدهد و بعبارت دیگر انتشار اشعه مخصوص بدن «مدیوم» متوالی و دائمی نیست و به وسیله تکانهایی متقطع حاصل می‌شود.

مادام بالادینو بعضی اثرات دیگری نیز به وجود آورده که توانستند عکس آنها را بردارند و در اینجا شرح یکی از آنها را از مقاله پروفیسور «فوا» معلم دارالفنون «تورن» نقل میکنیم: دکتر «فوا» در بالای سر «مدیوم» يك شیشه عکاسی که در کاغذ سیاه پیچیده شده بود بدست گرفت و به «مدیوم» گفت که این دست است. پس از اینکه شیشه در جلو چشم دو نفر دیگر در دوی مخصوص شسته شد عکس چهار انگشت در آن نمایان بود. در اینجا نمیتوان گفت که روشنائی عکس انگشتهای دکتر «فوا» را به روی شیشه انتقال داده است چونکه شیشه نوی کاغذ سیاه بود بلکه باید گفت که يك قوه «رادیو اکتیویته» یعنی انعکاس اشعه به وجود آمده است و در این صورت هم این مسئله دو جور حل

می‌شود. اول اینکه بگوئیم انگشتهای دکتر «فوا» دارای قوه مزبور بوده است و اینهم یا همیشه چنین بوده و یا تنها در این امتحان. دکتر «فوا» که عکاس ماهری است و هر روز چندین شیشه‌های عکاسی با دستهای خود می‌شورد تا کتون چنین اثری در دستهای خود ندیده است و اگر بگوئیم که فقط در این جلسه امتحان که با مادام «اوزایا پالادینو» بعمل آمده دارای این قوه شده است آنوقت هم می‌بینیم که قبل از این عمل باز چند شیشه دیگر را در دست داشته و در هیچکدام اثری ظاهر نشده است. پس میماند این يك احتمال که این قوه از شخص «مدیوم» یعنی «اوزایا پالادینو» ظاهر شده و مستقیماً و یا بتوسط دست دکتر «فوا» آن شیشه را متأثر و محمول ساخته است.»

علاوه بر این مثال، بسیار تجربه شده که گاهی دستهای نودانی خود بخود ظاهر گشته و در بعضی تجربه‌ها آثار دست و یا صورت در روی ماده خمیرمانندی چون ساقز و غیره که قبلاً روی میز در يك ظرفی گذاشته‌اند بعمل آمده که قالب آنها را برداشته‌اند. همچنین در تجربه که در سال ۱۹۰۸ با همین «اوزایا» بعمل آمد يك دستی در هوا ظاهر شد که دارای حرکت هم بود و سه بار روی شانه‌های دکتر «لومنان ده‌شزنه» به شدت ضربتی زد که تمام ۱۸ فقر حضار شنیدند و بعد دستی که بزرگتر از دستهای «اوزایا» بود در روی پرده سیاه که جلو اطاق کوچک کشیده بودند ظاهر و فوری ناپدید گشت.

يك مدیوم دیگر مادموازل «لندا کازه‌را» از اهالی شهر تورین در حضور چندین پروفیسورهای معروف به واسطه قوه اراده و تصور، بعضی صورتها به وجود آورده که بالای سر او به حرکت آمده‌اند و عکس آنها را توانسته‌اند بردارند چنانکه در

کتاب دکتر «ایمودا» چاپ شده است. اینها بخوبی ثابت میکند که قوه اراده بعضی افکار و تصورات را يك صورت خارجی که قابل رؤیت و عکس برداری می‌شود میتواند بدهد و از اینجا میتوان تظاهرات دیگر را نیز که قوه اراده اشیاء محسوس و مادی تولید مینماید به آسانی قبول کرد و نمونه‌های آن روز بروز بیشتر دیده می‌شود.

بهترین کتابها

رأیها و اعتقاداتها

Les opinions et les croyances

p. Dr. Gustave Le Bon.

بقیه از شماره ۳

[در تمام این کتاب فرض از اعتقاد، عقاید مذهبی و گاهی هم عقاید فلسفه روحی و ماورای طبیعی است و فرض از معرفت هم حقایق ثابت علمی است و بعبارت دیگر در این کتاب از مسئله تنازع علم و دین و یا حسن و عقل بحث می‌شود و يك صفحه نظر را از تکامل فکری و روحی بشر پیش خواننده گذاشته میگردد]

۳ — وظایف متقابل اعتقاد و معرفت (دین و علم) :
علم یکی از عناصر اساسی تمدن و عامل بزرگ ترقیات آن می‌باشد. اعتقاد (مذهب) خط حرکت افکار و آراء و بالنتیجه رفتار و معاملات را معین میکند.

در ایام گذشته اصل مذاهب را خدائی تصور میکردند و بدون مناقشه می‌پذیرفتند. امروز ما مذاهب را میدانیم که از خود ما سر میزند ولی با وجود این، آنها ما را زیر حکم نگاه میدارند قوه عقل عموماً نفوذ بسیار کمی در آنها دارد تا در کرسنگی